

۲۴۶۸۴۲۲

کردستان

در قرن هفتم میلادی

www.ketab.ir

نویسنده: دکتر فرست مرعی

مترجم: پریسا افشاری

مرکز مطالعات استراتژیک کردستان عراق

سلیمانیه ۲۰۰۶

- سرشناسه : مرعی، فرست، ۱۹۵۶-م.
- عنوان قراردادی : کردستان فی القرن السابع المیلادی. فارسی
- عنوان و نام پدیدآور : کردستان در قرن هفتم میلادی/ نویسنده فرست مرعی؛ مترجم پریسا افشاری؛ [برای] مرکز مطالعات استراتژیک کردستان عراق.
- مشخصات نشر : تهران؛ ایشثار، ۱۴۰۳
- مشخصات ظاهری : ۱۶۷ ص: جدول، نقشه، نمودار.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۰۴۶-۴-۴
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : کردان -- تاریخ -- قرن ۷م.
Kurds -- History -- 7th century
فتوحات اسلامی -- کردستان
Islamic conquests -- Kurdistan
کردان -- ایران -- تاریخ
- موضوع : Kurds -- Iran -- History
کردستان -- تاریخ -- قرن ۷م.
Kurdistan -- History -- 7th century
- شناسه افزوده : افشاری، پریسا، ۱۳۷۶- مترجم
- شناسه افزوده : مرکز مطالعات استراتژیک کردستان
- رده بندی کنگره : DS۵۹/۴۴
- رده بندی دیویی : ۹۵۷/۰۰۴۹۱۵۹۷
- شماره کاربست ملی : ۹۵۵۷۶۲۱
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا



کردستان در قرن هفتم "دی"

نویسنده: دکتر فرست مرعی مترجم: افشاری
نشر: ایشثار نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲
تیراژ: ۱۰۰ نسخه طراح جلد: مهدیه سعدی
صفحه آرا: زهرا استواری

سایت: ishtaar.ir

اینستاگرام: ishtarpublication

ایمیل: ishtarpublication@gmail.com

تلفن: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶ تلگرام: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۰۴۶-۴-۴

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات ایشثار است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مرکز مطالعات استراتژیک کردستان عراق

مرکز مطالعات استراتژیک کردستان عراق در سال ۱۹۹۲، با هدف انجام پژوهش‌های علمی مرتبط با سیاست‌های بین‌الملل، امنیت ملی، اقتصاد و مسائل استراتژیک تاسیس شد و شایان ذکر است که مطالعات این موسسه فرهنگی، هرگز برای دستاوردهای مادی صورت نگرفته و تمامی پژوهش‌های این مرکز، تنها برگرفته از آراء پژوهشگران است.

www.ketab.ir



فهرست مطالب

مقدمه	خ
فصل اول: تاریخ کردها پیش از اسلام	۱
منابع تاریخ کردها پیش از اسلام	۳
اول: منابع باستان‌شناسی	۴
دوم: منابع دینی	۶
سوم: منابع یونانی و رومی	۹
چهارم: منابع مسیحی (سریانی)	۱۴
پنجم: منابع ارمنی	۲۲
ششم: منابع فارسی	۲۵
مروری کوتاه بر تاریخ کردها پیش از اسلام	۳۰
اول: مروری کوتاه بر تاریخ کردها در عصر مادها و هخامنشیان	۳۰
دوم: مروری کوتاه بر تاریخ کردها در عصر یونانیان و اشکانیان	۳۱
سوم: مروری کوتاه بر تاریخ کردها در عصر ساسانیان	۳۴
فصل دوم: تاریخ کردها در منابع اسلامی	۳۹
اول: منابع تاریخ عمومی	۴۱
دوم: کتاب‌های جغرافیا و سفرنامه‌ها	۴۹
سوم: منابع فقهی و حقوقی	۵۷
چهارم: کتب طبقات و تراجم	۶۵
پنجم: لغت‌نامه‌ها	۷۰
ششم: ادبیات	۷۳

هفتم: شهرها ۷۴

فصل سوم: فتح کردستان ۷۷

اول: پیروزی جلولا مقدمه‌ای برای فتح مناطق کردنشین در جبال ۸۰

دوم: فتح مناطقی در جزیره و ارمنستان که کردها در آن حضور داشتند ۹۱

سوم: فتح کردستان مرکزی ۱۰۴

فصل چهارم: تکمیل فتح مناطق کردنشین و دوره بعد از فتح ۱۱۱

مرحله دوم فتح ۱۱۳

فتح در مناطق کرها ۱۱۳

مقاومت کردها در برابر فتح اهواز و فارس ۱۲۰

فتوحات در عهد خلیفه عثمان بن عفان ۱۲۷

کردها در دوره پس از فتح (۱۴۷-۷۵۰) ۱۳۶

روابط کردها با ارامنه و بیزانس ۱۳۶

موضع کردها در جنبش‌های ضد اموی ۱۳۷

خوارج ۱۳۷

شیعه ۱۳۹

شورش عبدالرحمن بن اشعث ۱۴۲

پایان خلافت اموی ۱۴۳

خاتمه ۱۴۷

پیوست‌ها (نقشه‌ها، اسناد و جداول) ۱۵۱

مقدمه

این کتاب به کردها، منابع بر جای مانده و وقایع تاریخی آنان در صدر اسلام (فتوحات) می‌پردازد. پس از رسیدن فتوحات اسلامی به منطقه کردها (کردستان) در دوران خلافت عمر بن خطاب در سال ۱۶هـ/۶۳۷م، روند مسلمان شدن کردها آغاز شد.

سال ۱۶هـ/۶۳۷م، به سبب مسلمان شدن کردها و احتساب کردستان به عنوان بخشی از دولت اسلامی (دارالاسلام)، نقش بسیار پراهمیتی در تاریخ این مردم دارد، به طوری که این سال همچون آغاز دوره‌ای جدید به شمار می‌رود.

این پژوهش، به سبب پرداختن به جانب مهم تاریخ کردها در صدر اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و همچنان در مسیر آشکار ساختن جنبه‌های گوناگون، به پژوهش‌ها و مطالعات فراوان به ویژه در مسائل سیاسی، تمدنی و اجتماعی نیازمند است.

این پژوهش از روش خاصی بهره برده است که در محدود کردن منابع و خاستگاه تاریخی کردها در بازه زمانی مورد نظر، چه در دوره قبل از اسلام و چه پس از اسلام به وضوح قابل مشاهده است. تحقیق، بر پایه مطالعه روایات این منابع به ویژه منابع تاریخی و تحلیل و مقایسه آن‌ها با دیگر روایاتی که از جهت ظاهر و محتوا، به روایات اصلی نزدیک‌اند استوار است تا دستیابی به حقیقت، مبتنی بر قواعد روش پژوهش تاریخی باشد.

عموم پژوهش‌های موجود، به جریان فتح اسلامی در کردستان و نقش قوم کرد در صدر اسلام پرداخته که البته میزان کمی از اطلاعات به علت ماهیت برخی پژوهش‌ها، جریان اصلی را دچار انحراف کرده است؛ همانند پژوهش‌های مرتبط با مناطقی که کردها، بخشی از ترکیب قومی و اجتماعی آن بودند و یا قومیت‌های دیگری همچون فارس‌ها، ارمنی‌ها، سریانی‌ها و... که زیست مشترک یا ارتباطی مستقیم با کردها داشتند و هیچ مطالعه مستقلی در این رابطه انجام نگرفته است.

تاریخ کردها در صدر اسلام، از مباحث مهم تاریخ اسلام به شمار می‌رود و دلیل آن موقعیت ژئواستراتژیک کردستان از گذشته تاکنون بوده است. در گذشته، کردستان، کانون منازعه حکومت‌هایی چون یونانیان، اشکانیان، رومیان و پارسیان بوده و هم‌اکنون به صحنه درگیری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به

هزینه احزاب گرد تبدیل شده است. اما این مسائل، ماهیت مردم کرد را نفی نمی‌کند؛ مردمی که در این خاک می‌زیستند و پس از گرویدن به اسلام به سد محکمی در برابر حملات حکومت‌ها در اطراف سرزمین اسلامی همچون: حکومت خزر [ترک‌ها] و گرجستان از شمال و یا امپراتوری بیزانس و هم‌پیمانان ارمنی‌شان از غرب تبدیل شدند. کردها پس از مدتی، کمک شایانی به تشکیل یکی از قویترین دولت‌های اسلامی کردند؛ دولتی که توانست مانع پیشروی جنگ‌های صلیبی به خاک مسلمانان شود و مهم‌ترین اقدامشان باز پس‌گیری قدس از صلیبیون به دست صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۳هـ/۱۱۸۷م بود.

اقتضای حال این پژوهش، روایت و توصیف است چراکه از اولین مطالعاتی است که منابع تاریخی کردها در صدر اسلام را جمع‌آوری می‌کند، اما در عین حال به تحلیل و مستندسازی این منابع و مقایسه آن با نسخه‌ها، دیگر بر اساس روش‌شناسی تاریخی می‌پردازد.

باید گفت که مسیر بررسی و تبیین تاریخ کردها در صدر اسلام با مشکلات فراوانی همراه بود. از جمله این مشکلات:

۱- مشخص کردن محدوده جغرافیایی منطقه کردها در آغاز قرن اول هجری/هفتم میلادی. قبل از پرداختن به فتح، ترسیم نقشه‌ای که به صورت کامل و واضح مشخص‌کننده سرزمین کردها (کردستان) باشد لازم بود، اما موانعی همچون تفاوت در نام‌گذاری‌های جغرافیایی به دلیل تغییرات تاریخی از دوره‌ای به دوره دیگر و تداخل قومیتی (نژادی) بین کردها، فارس‌ها، ارمنی‌ها، سریانی‌ها و... به سبب همزیستی مشترک، این امر را دشوار می‌کرد.

برکسی پوشیده نیست که برخی از مورخان با انگیزه‌های مذهبی و نژادپرستانه، سعی در محو آثار تاریخی و جغرافیایی کردستان، ایجاد شک درباره اصلیت کردها، به دادن کردها با نژاد خود و یا رد ارتباط کردها با نظریات اساطیری همچون ضحاک^۱ و جن^۲ داشته‌اند.

۱. ابوحنیفه دینوری: الاخبار الطوال؛ لیدن ۱۸۸۴، ص ۲۶-۲۷ تصحیح ولادیمیر جرجاس؛ أبو منصور ثعالبی: غرر اخبار ملوک الفرس وسیرهم، تهران، کتابخانه اسدی، ۱۹۶۳م، ص ۲۰-۲۱؛ مسعودی: مروج الذهب ومعادن الجوهر، بیروت، دار الفکر (۱۴۰۹-۱۹۸۳م) ج ۲، ص ۱۲۳، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید؛ ابوالقاسم فردوسی: شاهنامه، ص ۱۴۷، ترجمه علی بنداری، بازنگری و تحقیق عبدالوهاب عزام؛ شرف خان بدلیسی: شرفنامه. مصر، دار احیاء الکتب العربیة ج ۱، ص ۱۰-۱۲، ترجمه به عربی محمد علی عون، برگردان یحیی خشاب.

۲. مسعودی: مروج الذهب، ۱۲۳/۲، شرف خان بدلیسی: شرفنامه، ص ۱۰-۱۲. در میان این افسانه‌ها که حتی برخی از مورخان کرد مانند دینوری و شرف خان بدلیسی نیز بدون اظهار نظر، این ادعاها را نقل کرده‌اند، محقق با این سوال مواجه می‌شود که چرا تمام این جداسازی‌ها متوجه کردهاست؟ چرا ملت‌های دیگر که تاریخ مشترکی با کردها داشتند، این مبحث اسطوره‌ای را با آنان به اشتراک نمی‌گذاشتند؟

علاوه بر این، کسانی که این دوره را به ثبت رسانده‌اند، حوادثی را که کردستان به خود دید و یا وقایعی را که کردها قهرمان آن بودند از سر نگذرانده‌اند و این موضوع تا حد زیادی در مناطقی که تحت کنترل فارس‌ها بود صدق می‌کند. اما انگیزه‌ها در مناطق کردنشینی که تحت کنترل امپراتوری بیزانس و ارمنی‌ها بود کمی متفاوت است؛ مورخان، جغرافی‌دانان و مردم کشورهای مسلمان در نامگذاری ارمنستان و بین‌النهرین بر بسیاری از مناطق کردنشین، رویکرد مورخان و جغرافی‌دانان یونانی، رومی و ارمنی را در پیش گرفتند؛ اما بسیاری از این مناطق مانند: مناطق کردوئه (دیاربکر کنونی)^۱، جزیره بختان (بهتان، بوتان و جزیره ابن عمر)^۲، زوزن (جنوب دریاچه ارگش، وان)^۳، سلماس و ماکو (شمال غرب دریاچه ارومیه)^۴ و جزیره^۵، مناطقی اسلامی بودند.

حدود نیمی از اراضی منسوب به ارمنستان، اراضی کردنشین است و برای اثبات این امر می‌توان به منابع ثبت شده مورخان و جغرافیانان یونانی و حتی خود ارمنی‌ها استناد کرد. برای مثال: هرودوت^۶، گزنفون^۷، سترابون^۸، موسی خورنی^۹، تیند^{۱۰}، ایشه واردایت^{۱۱}، لیو ارمنی^{۱۲} و یا آثار بی‌شماری که

۱. ج. آر. درایور: الكرد في مصادر القديمة، بغداد، نشر الديوانی، ص ۳۱-۳۸، ترجمه فواد حمه خورشید.
۲. حسن بن احمد بن یعقوب همدانی: صفة جزيرة العرب، صنعاء، مرکز الدراسات اليمنية ۱۴۰۲هـ-۱۹۸۳م، ص ۲۴۷، تحقیق محمد علی الکوع.
۳. یاقوت حموی: معجم البلدان، بیروت، دار صادر ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۱۵۸.
۴. ولادیمیر مینورسکی: الاكراد ملاحظات و انطباعات، بیروت دارالکتاب، چاپ اول، ص ۳۵، ترجمه معروف خزندار، مینورسکی: الاكراد احفاد الميديين، ص ۱۳۹، ترجمه کمال مظهر احمد؛ درایفر، الكرد في المصادر القديمة، ص ۳۹.
۵. ابوالحسن بلاذری: فتوح البلدان، مصر، المكتبة التجارية ص ۳۲۷، رضوان محمد؛ غزالدین علی بن محمد جزری ملقب به ابن اثیر: الكامل فی التاريخ، بیروت، ج ۲، ص ۵۲۴.
۶. جمال رشید: دراسات كردية فی بلاد سريارتو، بغداد، دبيرخانه فرهنگ و جوانان كردستان ۱۹۸۴، ص ۱۱۰، پانوش ۱۷.
7. The New Encyclopaedia Britania, printed in USA Chicago published 1973-1974, volume-v-pp. 984; New age Encyclopaedia, edited by D.A.Girling, sudney London volume 17.pp.9
۸. محمد امین زکی: خلاصة تاريخ الكرد و كردستان منذ اقدم العصور التاريخية حتى الان بغداد، چاپ دوم ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۴۱؛ توفیق وهبی: اصل الاكراد و لغتهم، مجلة اتجمن علمی كرد، بغداد، شماره ۲، جلد دوم ۱۹۷۴، ص ۸-۹؛ درایفر: همان، ص ۳۱-۳۲.
۹. مینورسکی: الاكراد احفاد الميديين، ص ۱۳۶-۱۳۹.
۱۰. فايز نجيب اسکندر: المسلمون و البيزنطيون و الارمن، صنعاء، دار الحكمة اليمنية ۱۹۹۳، ص ۹۶-۹۷ به نقل از: CHEVOND, CH. 11, p.5, N.4
۱۱. جمال رشید: همان، ص ۹۶.
۱۲. جمال رشید: لقاء الاسلام لقاء الكرد و اللان فی بلاد الباب و شروان، لندن، انتشارات ریاض الریس ۱۹۹۴، ص ۲۱۰، به نقل از تاریخ لیو ارمنی.

شرق‌شناسان معاصر ثبت کرده‌اند مثل: ویسباج^۱، درایور^۲، مارک سایکس^۳، کرزون^۴، مینورسکی^۵ و نقشه‌های تفصیلی در پیوست به تاریخ باستان کمبریج^۶ به همراه منابع سریانی^۷.

با توجه به مطالب فوق، درمی‌یابیم کردها قومی هستند که در طیف گسترده‌ای از مناطق سکونت می‌کردند و به گفته درایور^۸ می‌توان محل سکونت آنها را از خراسان در شرق ایران و همدان تا مرزهای آسیای صغیر در سامسات (سام‌شاد باستانی) و مالاتیا در نظر گرفت.

این مناطق بر حسب شرایط دستخوش تغییر شده‌اند، اما عموم تغییرات مربوط به اطراف کردستان است که با در نظر گرفتن زیست مشترک با سایر اقوام از جمله فارس‌ها، ارمنی‌ها و عرب‌ها، امری طبیعی است، اما قلب کردستان که کردستان مرکزی^۹ نام دارد، به همان شکل پا بر جا ماند و تمام اصول و پایه‌های قومی مردم کُر را از جمله: دین، زبان، آداب، رسومات و تاریخ مشترک حفظ کرد.

پژوهشگر برای ترکیب شامل جغرافیای سیاسی کردستان در دوران فتوحات اسلامی، علاوه بر منابع اسلامی باید از منابع یونانی سریانی نیز کمک می‌گرفت تا بتواند با ترکیب و مقایسه این منابع، به بهترین شکل ممکن نقشه (کردستان) از زمان را بر اساس روشی علمی و موثق رسم کند.

منابع یونانی به چندین منطقه که رُم‌تَن را از مزوپوتامیا (بین‌النهرین)^{۱۰} جدا می‌کنند، اشاره کرده‌اند:

۱. جمال رشید: لقاء الكرد والالان، ص ۷۲.
۲. درایور: الكرد فی مصادر القديمة، ص ۳۳-۳۴.
۳. مینورسکی: الاكراد ملاحظات و انطباعات، ص ۲۹، پی‌نوشت ۱۲، به نقل از قبایل کردی در امپراتوری عثمانی، مارک سایکس، مجله انجمن آسیایی، شماره ۳۸-۱۹۰۴، ص ۴۸۶-۴۵۱ به زبان انگلیسی.
4. Curzon, George N, Persia and Persian question, London, 1982, Vol.2, pp.250-280.
۵. مینورسکی: همان، ص ۲۵، ۳۵، ۱۳۹.
۶. رجوع شود به نقشه شماره ۱ در پیوست.
7. THE CAMBRIAGE ACIENT HISTORY, VOL XI1, MAP
۷. ادی شیر: تاریخ کلدو و ائور، بیروت ۱۹۱۳م، نقشه شماره ۲ در پیوست، مرتبط با این بخش است. دریفر: همان، ص ۴۳.
۸. درایور: همان، ص ۴۳.
۹. رفیق حلمی: الاكراد منذ فجر التاريخ الى سنة ۱۹۲۰، کنفرانس دبیرستان مرکزی موصل، ص ۱۸.
۱۰. منابع اسلامی منطقه بین دو رود دجله و فرات را بین‌النهرین می‌نامند که به سه بخش: دیار ربیع، دیار مضر و دیار بکر تقسیم می‌شد که بر اساس نام قبایل عربی ساکن در آن بود که قبل از اسلام به این منطقه آمده بودند. رجوع شود به: یاقوت حموی: معجم البلدان، ۴۹۴/۲.

منطقه قدیمی کردونه که شامل بخش کوچکی در میانه بکر و زاخو بود؛ جنوب شرقی آن منطقه‌ای به نام آدیابنه Adiabene^۱ قرار داشت که تمام مناطق شبه کوهستانی اطراف اربیل و حتی رود دیاله را شامل می‌شد و در شمال شرق آدیابنه، منطقه آتروپاتن Atrobatene (ماد کوچک) قرار داشت؛ در ادامه این منطقه، سرزمین وسیع مادها همچنان امتداد می‌یافت که محدوده دقیق این سرزمین‌ها مشخص نیست.^۲

بر اساس یکی از نظریه‌های ولادیمیر مینورسکی، شرق‌شناس روسی و دیگر محققان^۳، مادها اجداد اصلی کردها هستند. این نظریه سوالی را مطرح می‌کند: اگر کردها را از نسل مادها ندانیم، پس چه بر سر قوم باستانی و قدرتمند ماد آمده است؟ و این شبکه وسیع از اقوام کرد که همگی به زبان ایرانی و متمایز از زبان‌های دیگر این سرزمین سخن می‌گفتند، از کجا پدید آمد؟^۴ ظاهراً برخی منابع و نقشه‌های سریانی موجب تأیید این نظریه می‌شوند.^۵

از سوی دیگر، منابع سریانی منطقه کردها را سرزمین‌هایی دانسته که بین رشته‌کوه‌های زاگرس در شرق، جزیره ابن عمر و کوه‌های طه عبدالله در غرب قرار داشته است^۶، اما منابع بعدی آنها این منطقه را سریانی به شمار آورده‌اند.^۷

۱. منابع اسلامی، این منطقه را جزء می‌نامند و یاقوت حموی، آن را بخشی از موصل در نزدیکی اربیل توصیف می‌کند. یاقوت: معجم البلدان، ۲۵۶/۲.

۲. رجوع شود به: The Cambridge Acient History, V,XII, Mapp8; د. ایور: الكرد في المصادر القديمة، ص ۳۳.

۳. مینورسکی: الاكرد ملاحظات و انطباعات، ص ۱۳۶ - ۱۴۰، توفیق وهبی: اصل کردها و لغتهم، ص ۱، آرنولد ویلسون: بلاد ما بین النهرین بین ولاتین، بغداد، خانه امور فرهنگی ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۱۲، ترجمه فؤاد حسن، بازیگری علاء نورس کاظم.

Encyclopedia American Internacional, Jefferson to Latin, 1984. Vol.16, pp.602

شایان ذکر است که یکی از محققان ارمنی وجود قوم ماد را رد کرده و ادعای خود را با استناد بر مهرهایی به خط میخی مطرح کرده‌است که کلمه meda در آنها، در اصل به معنای زمین است. رجوع شود به:

Safrastin, Dr. A. ((Kurdistan and the Kurds)), London 1948 pp. 101- 102

در همین رابطه یکی از محققان کرد وجود هرگونه رابطه‌ای بین کردها و مادها را رد می‌کند؛ رجوع شود به: صلاح سعد الله: عن لغة الكرد وتاريخهم، نقد في الثقافة الكردية، بغداد، چاپ شفیق ۱۹۸۹، ص ۱۵-۱۶.

۴. مینورسکی: الاكرد احقاد المیدین، ص ۱۴۰.

۵. مجهول: التاريخ الصغير، انتشارات فرهنگستان زبان سریانی، ص ۱۲۹، ترجمه بطرس حداد، مجهول: تاریخ الزهاوی المجهول، مجله بین النهرین موصل، شماره ویژه، ۱۹۷۷، ص ۱۳۹ ترجمه بطرس قاشا؛ ادی شیر: تاریخ کلدو و اثور، نقشه شماره ۲ در پیوست کتاب.

۶. درایور: همان، ص ۲۰.

۷. آفرام برصوم: اللؤلؤ المثور في الأدب والعلوم السریانیة، ص ۵۱۷، پاتریک برصوم، سریانی است و گفته‌هایش با گفته‌های

۲- مشکل دیگر پژوهشگر، تاریخی است که از آن به عنوان تاریخ مسلمان شدن کردها صرفاً بر اساس تاریخ ورود لشکر مسلمانان به کردستان یاد می‌شود و ما نمی‌دانیم که این ورود با جنگ یا اجبار همراه بوده یا با معاهدات صلح انجام گرفته و شهرها و مناطقی که با جنگ و یا با صلح فتح شده، چه نام داشته است. پیامدهای مسائلی که فقهای اسلام بر آن اتفاق نظر داشتند و آن را به یکی از قوانین شرعی مبدل کردند که به موجب آن، دولت اسلامی باید در تعامل با اقلیت‌های غیر مسلمان (اهل ذمه) سبکی متفاوت در پیش گیرد، به ویژه که روند اسلامی کردن جامعه کرد سرعت فزاینده‌ای داشت. این امر منجر به جدایی کردها به دو گروه شد: کردهایی که مسلمان شدند و کردهایی که همچنان باور پیشین خود را حفظ کرده بودند، علاوه بر اقلیت‌های مذهبی کوچکی از یهودیان، مسیحیان و سریانی‌ها. قوانینی که فقها برای اهل ذمه وضع کرده بودند، به دلیل درگیری‌های مداوم بین حکومت اسلامی و دشمنانشان از مسیحیان مناطق مختلف (بیزانسی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها (گرجستان و قرقیزستان)) و همچنین به علت تحولات سیاسی حاکم بر روابط میان مسلمانان و کردها و اهل ذمه، در معرض آزمون دشواری قرار گرفته بود. کردستان نیز به منطقه‌ای میان دو طرف و به بیانی دقیق‌تر؛ به منطقه مرزی سرزمین اسلامی تبدیل شد.

۳- آخرین مسئله، استواری اسلام در بنیان جامعه کردها بود و چنان قوی شد که جنبش‌های مخالفی که اواخر دوره راشدین پدید آمدند، به منظور بهره‌مندی از مناطق ناهموار کوهستانی و موقعیت دور افتاده آن، کوشیدند در کردستان جایگاهی برای این مسئله از طریق نامه‌ای از رهبران جنبش قابل اثبات است؛ وی در این نامه خطاب به پیروان خود نوشته بود: «کوفه را ترک کنید تا با دین خود، از دست این بدعت‌های گمراه به سمت کوه‌ها بگریزید». در راستای این موضوع محقق می‌تواند سوالی را مطرح کند: آیا کردها به جنبش‌هایی که علیه دولت اسلامی شکل گرفته بود پیوستند؟ در فصل‌های بعدی به این سوال پاسخ داده خواهد شد.

مسعودی و مارکوپولو در کتاب‌هایشان مبنی بر اینکه در این منطقه کردها می‌زیستند در تعارض است. رجوع شود به: مسعودی: مروج الذهب ومعادن الجوهر، ۱۲۴/۲، ویلیام مارسدن: رحلات مارکوپولو، قاهره، اتجمن کتاب مصر، ۱۹۷۷، ص ۳۷، ترجمه به عربی: عبد العزيز توفيق جاويد.

۱. عموم کردها زرتشتی و بخش کوچکی در مناطق مرزی با امپراتوری بیزانس، مسیحی بودند. رجوع شود به: مسعودی: مروج الذهب، ۱۲۴/۲.

۲. طبری: تاریخ الرسل والملوک، ۷۴/۵، ابن اثیر: الكامل فی التاريخ، ۳۳۵/۳.

فصل‌های پژوهش

این پژوهش به چهار فصل تقسیم شده است. فصل اول به جهت پرداختن به تاریخ کردها در دوران قبل از اسلام و ذکر منابع تاریخی باستانی کردها همچون: منابع تاریخی، دینی (تورات)، منابع یونانی و مسیحی (سریانی)، ارمنی و فارسی همانند فصل مقدماتی است. مطالعه، تحلیل و استنباط این منابع در مسیر استخراج حقایق تاریخی کردها قبل از مسلمان شدن از اهمیت بسالایی برخوردار است و البته شایان ذکر است که بسیاری از این کتاب‌های تاریخی به جز تعداد اندکی، مملو از افسانه و روایت‌های خرافی است. بخش دوم فصل به طبع مختصر به بررسی تاریخ کردها در اعصار پیش از ظهور اسلام می‌پردازد؛ مانند دوران هخامنشیان، اشکانیان و در نهایت دوره ساسانی که چرخه تاریخ کهن کردها را کامل می‌کند.

فصل دوم به بررسی منابع تاریخ کردها در اسلام به ویژه منابع تاریخ عمومی می‌پردازد و لازم است که روایت‌های این منابع، جمع‌آوری، بررسی، تحلیل و مقایسه شود. همچنین در این فصل به منابع جغرافیایی، فقهی، حقوقی، کتاب‌های زبان و ادبیات و منابع کردستان پرداخته شده است. فصل سوم، روند فتح اسلامی کردستان از سال ۱۶هـ/ ۶۳۷م را مورد بررسی قرار می‌دهد. این فصل به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش اول به جنگ جلولاء که مقدمه‌ای برای فتح مناطق کردنشین بود می‌پردازد. بخش دوم مربوط به فتح مناطقی است که کردها به همراه اقوام دیگر در آن می‌زیستند؛ مانند جزیره که شامل موصل، تکریت و بخش‌هایی از ارمنستان می‌شد و بخش سوم به گشایش مناطق مرکزی متعلق به کردها اختصاص دارد.

فصل چهارم که آخرین فصل است، در ابتدا به روند تکمیل فتوحات اسلامی در مناطق کردنشین باقیمانده می‌پردازد که از جنگ نهاوند (۲۱هـ/ ۶۴۲م) آغاز می‌شود و در بخش دیگر، مرحله بعد از فتح یعنی وضعیت ثبات مورد مطالعه قرار گرفته که این امر در عصر امویان به وضوح قابل مشاهده است و با سقوط این حکومت در سال ۱۳۲هـ/ ۷۵۰م به دست عباسیان به پایان می‌رسد. اگرچه این پژوهش دوره امویان را نیز در بر می‌گیرد، اما دوره مطالعاتی با جنگ نهاوند (۲۱هـ/ ۶۴۲م) پایان می‌یابد و آنچه پس از مبحث اصلی مطرح می‌شود به بررسی آثار فتح می‌پردازد.

منابع پژوهش

تحقیق مبتنی بر منابع متنوع و بسیاری است؛ مهم‌ترین آنها منابع تاریخ عمومی اسلام است که عبارت است از: تاریخ خلیفه بن خیاط (متوفی ۲۴هـ)، فتوح البلدان از بلاذری (۲۷۹هـ)، الاخبار الطوال از دینوری (۲۸۲هـ)، تاریخ یعقوبی (۲۸۴هـ)، تاریخ الرسل و الملوك از ابن جریر طبری (۳۱۰هـ)، کتاب الفتوح از ابن الاثم کوفی (۳۱۴هـ)، مروج الذهب از مسعودی (۳۴۶هـ)، تجارب الامم از مسکویه (۴۲۱هـ)، تاریخ ابن جوزی (۵۹۷هـ)، الکامل فی التاریخ از ابن اثیر (۶۳۰هـ)، البدایه و النهایه از ابن کثیر (۷۷۴هـ) و تاریخ ابن خلدون (۸۰۸هـ).

در این تحقیق علاوه بر آثار ذکر شده، از آثار جغرافی‌دانان مسلمانان استفاده شده است؛ آثاری که اهمیت آنها در شناختن اشی شهرها، روستاها و بخش‌هایی که کردها در آنها گرد آمده بودند، به ویژه اشاره به گروه‌های پرجنّت کرد در منطقه فارس، و آنچه که بر این گروه‌ها از منظر تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوحات اسلامی گذشته، غیرقابل چشم پوشی است. مهم‌ترین این آثار عبارت است از: المسالك و منه مالک از ابن‌خردادبه (۲۸۰هـ)، کتاب البلدان از یعقوبی (۲۸۴هـ)، الاغلاق النفیسه از ابن‌رسته (۲۹۰هـ)، التنبیه و الاشراف از مسعودی (۳۴۶هـ)، صورة الارض از ابن‌حوقل (۳۶۷هـ) و معجم البلدان از یاقوت حموی (۶۲۶هـ).

این پژوهش همچنین از برخی منابع سریانی ترجمه شده توسط گروه زبان سریانی در آکادمی علمی عراق بهره برده و اهمیت آن به سبب رویدادهای وقایع معاصر آشکار است، اما آثار روحانیان مسیحی، مملو از تعصب، جانبداری، افسانه و خرافات است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: التاریخ الصغیر که جک اسحاق آن را ترجمه کرده است و زمان نگارش آن به نیمه دوم قرن هفتم میلادی/دوم هجری بازمی‌گردد، تاریخ ایلیا برشینایا نصیبینی ترجمه یوسف حبیبی، تاریخ الرهاوی المجهول ترجمه البیر ابونا که از منابع سریانی غربی است.

کتاب طبقات و تراجم نقش عمده‌ای در فهم زندگی صحابه‌ای داشتند که در فتح مناطق کردنشین شرکت کرده بودند، به ویژه در رابطه با اشاره این منابع به اسامی آن‌ها مانند جابان کردی و پسرش میمون کردی ملقب به ابوبصیر که در منابع دیگر از آنها نامی برده نشده است. محقق در پژوهش خود از کتاب شرفنامه که توسط امیرکرد، شرف‌خان بدلیسی، در قرن شانزدهم به زبان فارسی نگاشته شده و به بررسی تاریخ حکومت‌های کرد و بخش‌های تحت فرمان آنها در دوران اسلامی میانه می‌پردازد بهره برده است؛ شرق‌شناس روسی؛ اف. زیرنون (۱۸۳۰-۱۹۴۰م) بخش اول این کتاب را در سال ۱۸۶۰ با

مقدمه ❖ ض

استناد بر دست‌نوشته‌های کمیاب فارسی و با مقدمه‌ای به زبان فرانسه و بخش دوم را با اختلاف دو سال منتشر کرد. این کتاب در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۰م به دست محمد علی عونی در قاهره و در سال ۱۹۴۴ به دست محمد جمیل بندی روزیانی در بغداد ترجمه شد و اکنون در جایگاه قدیمی‌ترین مرجع در رابطه با تاریخ کردها، از اهمیت بالایی برخوردار است.

محقق به سند تاریخی یک فقیه کُرد به نام حسین شیفتگی مزوری دست یافت که حاوی اطلاعات ارزشمندی بود و این اطلاعات در هیچ منبع دیگری دربارهٔ فتح شهرهای کردنشین، لزوم جلوگیری از تأسیس معابد، خرید و فروش و فتح آن شهرها به جنگ ذکر نشده بود؛ محقق نیز به بررسی و ذکر این اطلاعات در فصل‌های تحقیق، بر حسب اهمیت‌شان پرداخته است (رجوع شود به پیوست شماره ۳). پژوهشگر، تعدادی منابع عربی، کردی (ترجمه شده به زبان عربی) و خارجی به زبان‌های انگلیسی و فارسی و برخی نشریات ادواری را مورد بررسی قرار داده است که تا حدودی تاریخ اسلامی-کردی را در بازهٔ زمانی مورد نظر آشکار می‌کند.